

سیمین خانم؛ زن سدشکن



ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

وقتی خبر رسید که «نرگس آبیار» قصد دارد نسخه سریالی رمان مهم و تاریخ‌ساز «سووشون» را بسازد این فکر ذهن ما را به خود درگیر کرد که چرا پس از انتشار چاپ نخست این رمان در سال ۱۳۴۸ فیلمسازان ایرانی به‌تازگی سودای «سووشون» به سرشان زده و پیش‌تر شخص یا اشخاصی فکر اقتباس از محتوای این قصه به سرشان نزده است؟! باری، رابطه سینما، شبکه نمایش خانگی و تلو یزیون (هرچند کمتر) با ادبیات داستانی معاصر ما چندان گل و بلبل نیست و تازه چند سالی است که بعضی برای گفتن قصه به سراغ متون ادبی ایران آمده‌اند. از این‌ها گذشته، «سیمین دانشور» اولین داستان‌نویس حرفه‌ای زن با حفظ سمت مهم‌ترین‌شان است که در عصر قصه‌نویسان قلدری چون «صادق چوبک»، «صادق هدایت»، «جلال آل احمد» و... ظهور کرده و توانسته با تیراژ میلیونی به رقیبی جدی برای این نویسندگان بدل شود. اما آثار «سیمین دانشور» و در رأس آن‌ها «سووشون» از چه ویژگی‌ای برخوردار بود که باعث شد، نام نویسنده‌اش در میان غول‌های ادبیات دهه ۴۰ به‌روشنی بدرخشد و حتی در برهه‌ای از آن‌ها پیشی بگیرد؟ «سووشون» اولین رمانی بود که نویسنده و همچنین راوی داستان آن یک «زن» بودند و به همین خاطر هم توجه بسیاری را نسبت به خود برانگیخته است، به‌طوری که این رمان در نوبت‌های چاپ متعدد به شمارگان میلیونی دست یافت و «سیمین دانشور» را به‌عنوان یکی از قلل ادبیات ایران در آن روزگار به خوانندگان و ایضا محافل ادبی معرفی کرد. او پیش از این هم دست به قلم بود و مجموعه

داستان‌های «آتش خاموش» و «شهری چون بهشت» را در سال‌های ۱۳۲۷ و ۱۳۴۰ منتشر کرد، اما این آثار به دلیل آنکه از قوام ادبی چندان‌ی برخوردار نبودند در خیل قابل توجه تولیدات نشر در آن ایام در حاشیه نگاه داشته شده و چندان مورد توجه قرار نگرفتند. در واقع «سووشون» به دلیل برخورداری از درون‌مایه قرص و محکم، شخصیت‌پردازی دقیق، شیوایی و بلاغت دانشور در به حرکت در آوردن قلم و در نهایت فن داستان‌نویسی به‌قدری ممتاز بود که تمام نگاه‌ها را به سمت خویش دوخت و روشنفکران و روزنامه‌نگاران را به تحسین واداشت؛ «محمّدعلی سپانلو» از تأثیرگذارترین افراد حاضر در کانون نویسندگان که به خاطر مضمون اشعارش به شاعر تهران معروف شده‌بود و «هوشنگ گلشیری» به‌عنوان یکی از مطرح‌ترین نویسندگان مدرن و منتقد ادبی برجسته هم در همان روزها و هم در ایام بعد به تعریف از این کتاب و نویسنده‌اش پرداختند و به درستی به اهمیت و ارزش قلمی این نویسنده اشاره کردند. گلشیری در کتاب «جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور» از ساختار مستقل «سووشون» تعریف کرد و این اثر را در سه وجه «نقش زن»، «نقش باز» و «نقش گذار» مورد بررسی قرار داد؛ اما نکته جالب در مورد سپانلو و تعریف و تمجیدش نسبت به «دانشور» و کتاب متهورانه و جسورانه «سیمین دانشور» این بود که او «سووشون» را بدون اینکه واهمه‌ای به دل‌راه بدهد اولین رمان «ایرانی» معرفی می‌کند. از این‌ها گذشته باید به این نکته اشاره کرد که «سیمین دانشور» در مسیر خلق شخصیت، فضاسازی و پرداخت به قصه از دیگر نویسندگان هم عصر و هم‌دوره‌اش به سبب برخورداری از سرمایه غنی اجتماعی و همچنین بهره‌مندی از شبکه قدرتمند روابط فرهنگی و خانوادگی وضعیت به‌مراتب بهتری دارد و همین نکته

باعث می‌شود غنای ادبی کار او به روشنی به چشم بیاید و همچون درختی پُربار میوه بدهد. این نویسنده ۲۸ سال پس از چاپ نخست رمان بنیان‌کن «سووشون» در گفت‌وگو با «هوشنگ گلشیری» به نویسندگان جوان پیشنهاد کرد که برای درخشیدن در عرصه داستان‌نویسی حتماً باید مطالعه متون کهن را مدنظر قرار دهند، چون او خودش در این مسیر انس و الفت بسیاری با «تاریخ بیهقی» برقرار کرد و توانست به خوبی ثمره‌اش را هم برداشت کند. به عبارتی سسرلوحه قرار دادن زندگی نویسندگان بزرگ ما، همچون سیمین دانشور حامل این پیام روشن برای بسیاری از نویسندگان حاضر ایران است که آن‌ها برای قصه نوشتن علاوه بر شم داستان‌نویسی و علاقه به این حوزه از نویسندگی (نوشتن ژمان، داستان کوتاه و ناول) باید شیوه زیست خود را در همپوشانی کامل با «وضعیت» زندگی دور و اطرافیان و به‌طور کل مردم کوچه و بازار قرار دهند و هیچ‌وقت از تمنای خواندن و زیست در میان متون کهن غافل نشوند. تا پیش از «سیمین دانشور» و «سووشون» مسئله «زن» در ادبیات داستانی ایران، به‌عنوان عنصری حاشیه‌ای و دور از مرکز توجه مورد توجه قرار می‌گرفت، اما این نویسنده نه‌تنها توانست اسم خود را در میان چهره مردانه ادبیات کشور ما مطرح کند، بلکه از پس سپردن فرمان روایت قصه به یک زن و عاملیت‌بخشی به او برآمد و تاریخ‌ساز شد، به‌طوری که نمی‌توان حضور زنان نویسنده مهم و تأثیرگذاری چون «غزاله علیزاده»، «پرینوش صنیعی»، «ناهید طباطبایی» و... در صنعت نشر ایران را بی‌تأثیر از حضور «سیمین دانشور» درنظر گرفت. این نویسنده –هرچند دیر– اما سدی را از بین برد که تا پیش از او کسی تاب نزدیک شدن به او را هم نداشت. القصة اینکه، «دانشور» چهره مردانه ادبیات داستانی کشور ما را تغییر داد.

«فستیوال کوچه» و «جشنواره موسیقی نواحی» به احترام اتفاق تلخ بندرعباس به کار خود پایان دادند

خدا حافظی با دلتنگی

تا خبر می‌چرخد، سازها را از زمین می‌گذارند و انگار غم است که می‌پیچد و می‌رصد. خبر بندرعباس به بوشهر رسید، انگار گرد عزا به شهر پاشیدند. «برای من تمام آثار شورانگیز جهان، یکی – دو پله از شروه عقب‌تر است، لحظات غمگین موسیقایی پنجره تن آدمیزاد است، جنوب چه دارد جز اندوه و رقص؟ اصولاً آن شروه‌خوانی که شروه‌اش را کاملاً به شکل درست و با تکنیک‌های صوتی می‌خواند به دلم نمی‌نشیند. از نگاه من نوعی انحراف از معیار و بدویتی، شروه را جذاب می‌کند. موسیقی جنوب را نمی‌توان از داستان تهی کرد. شروه و دمام تمام سلول‌های من را در اختیار بگیرد. تمام اقوام یک مواجهه صوتی برای رویارویی با طبیعت دارند و این برای جنوبی‌ها شروه است. بشر همواره صاحب غم بوده است. لحظات غمگین موسیقایی پنجره تن آدمیزاد است. جنوب چه دارد جز اندوه و رقص؟ جنوب مگر چه دارد جز اندوه و رقص، از غم زیاد است که می‌رقصیم.» این را احسان عبدی‌پور در یکی از همین قصه‌خوانی‌هایش می‌گوید. انگار که شب‌نه و یکشنبه در «کوچه» غم بود که می‌رقصید و درنهایت رسیدند به اینکه فستیوال را تعطیل کنند تا با مردم همراه باشند.

اطلاعیه‌ای را در فضای اینستاگرام «کوچه» منتشر کردند و نوشتند: «جنوب خونه‌ایه با یه نخلی وسطش، یه گناری گوشه‌ش، یه قایق کهنه‌ای گنجش. به اتاقیش اهوازه، یکیش بوشهره، یه بزرگ و پهن و قشنگش بندرعباسه. خونه‌ای که یه چیشش گریه‌س، دیگه دست و نی و نای نداره. کوچه رو به شرق، رو به بندر، زانو بغل می‌گیره و از منتهی‌الیه شادی رو به نهایت غم سکوت می‌کنه. روزهای دلخوشی ایران رو چشم به راهیم. از بوشهر یای می‌خوایم سنگ تموم بذارن برای چند روز پیش‌رو. برای همونایی که تو شهر داریمشون و روی بوشهر موندن حساب کردن. بوشهر یای! بی‌ساز و شُپ و کِل، دل همونا خوش کنین.

پلیس دمت‌گیرم. آبروداری کردی سی‌ما. با دلِ خوش مردم کنار اومدی. دم مخالفا گرم. خیلی گرم. دعوای داخل خونه رو به کوچه نکشیدین. شما هم قشنگی شهر مدارا هستین. قشنگی بوشهر قشنگ. امشو تو حیاط مدرسه سعادت دور هم جمع میشیم و داستان آخر رو می‌خویم و دست خدا می‌سپاریمتون و رو به روزهایی که خالقش الرحمن‌الرحمین است دلخوش به قشنگی ایران، میریم سمت

۱۵ ناشر عراقی به ایران می‌آیند

ناثر جعفر العصامی، معاون رئیس اتحادیه ناشران عراق از برنامه‌های این کشور به عنوان مهمان ویژه نمایشگاه کتاب گفت: «عراق از اینکه مهمان ویژه سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران است، احساس خرسندی می‌کند و این حضور مایه مباهات کشور ماست. شکی نداریم که حضور در این نمایشگاه باعث افزایش تعامل و روابط فرهنگی بین عراق و ایران می‌شود. به گفته العصامی، ۱۵ انتشارات از کشور عراق قصد دارند خود را به نمایشگاه کتاب تهران برسانند. از بین این ۱۵ انتشارات یک انتشارات وابسته به هیئت وزیران و ۱۴ انتشارات عضو اتحادیه ناشران عراقی است.

معاون رئیس اتحادیه ناشران عراق در ادامه اسامی این مؤسسات را به این شرح معرفی کرد: «دار المسئلة القانونية، بیت الحکمة، دار الفرافات، مؤسسه العصامی، دار الکتب العلمیة، دار اولدوبوک، دار الورشة، دار الکتب الادبیة، دار مصابیح، دار المعبد، دار سحر القلم، دار قنديل، کتابخانه الروضة الحیدریة و مکتبة العلویة، نماینده دار العارف للطبوعات، دار العارف للطبوعات و دار بابل.»

ناثر جعفر العصامی در پایان افزود: «عبد‌الوهاب مظهر الراضی، رئیس اتحادیه ناشران عراق در سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران حضور خواهد داشت.»

سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از ۱۷ تا ۲۷ اردیبهشت‌ماه با شعار «بخوانیم برای ایران» در محل مصلاى امّام خمینی (ره) برگزار خواهد شد.



زندگی هامون. با دلتنگی خدا حافظی می‌کنیم.»

موسیقی نواحی وقف غم اسکله

از آن طرف جشنواره موسیقی نواحی به دبیری فواد توحیدی، پنجم اردیبهشت در فرهنگسرای طربی بندرعباس آغاز شد، اما روز شنبه و یکشنبه تمام اجراهای این جشنواره وقف مردم بندرعباس شد و درنهایت هفدهمین جشنواره ملی موسیقی نواحی ایران که قرار بود تا هشتم اردیبهشت ماه ادامه داشته باشد، پس از اعلام سه روز عزای عمومی در هر مِزگان و آلودگی هوای بندرعباس به کار خود پایان داد.

اما کمی بخوانیم از روز آخر این جشنواره که چطور به اتفاق تلخ بندرعباس پرداخت.

نخستین اجرا در این شب با نوازندگی عرد محمد رام و شروه‌خوانی مجید ایرانمنش برای ادای احترام به جان‌باختگان و آسیب دیدگان



کرد؛ نوایی که صدای غم‌انگیز سوگواری در موسیقی لری است و اشاره‌ای به دشواری‌ها و مشقات روزگار دارد و در هنگامه سوگ خوانده می‌شود. مدیرگروه حماسه خوانی ایران زمین در پایان اجرای خود با تسلیت به بازماندگان حادثه بندرعباس گفت: «این حادثه دل همه ایرانیان خارج از این سرزمین را به درد آورد. ما هم از طرف جامعه هنری به عنوان خدمتگزاران فرهنگ و هنر با سوگ مردم بندرعباس همراهیم. من به خاطر این حادثه هولناک قطعات آوازی را تغییر دادم و با سوگ خوانی، همدردی‌ام را با حادثه‌دیدگان ایران زمین با دو دقیقه سکوت اعلام می‌کنم.»

گروه سوم، گروه موسیقی «دیلمان» به سرپرستی محمود فرضی‌نژاد بود. این گروه در ابتدای اجرای خود، همدردی عمیق خود را با حادثه‌دیدگان انفجار در اسکله شهید رجایی بندرعباس ابراز کرد. محمود فرضی‌نژاد در این مراسم با اشاره به غم‌انگیز بودن حوادث اخیر، گفت: «از بلندای البرز و منطقه کیلان تسلیت می‌گویم و با قطعاتی از جلگه کیلان، این احساس همدردی را به شما تقدیم می‌کنم.» اجرای چهارم به موسیقی کرمان اختصاص داشت با هنرنمایی حسن سالار در مقام خواننده و علیرضا امیری نوازنده نی. حسن سالار در این برنامه در ادای احترام به حادثه‌دیدگان بندر رجائی‌شهر بندرعباس با همراهی ساز نی، آواهای موسیقی کرمان را

در آواز دشتی به اجرا درآورد که مورد استقبال قرار گرفت.

عاشیق ارشد جمالی، پنجمین اجرای این شب را به عهده داشت و موسیقی عاشیقی از روستای کرووس، شهرستان قروه درگزین واقع در استان همدان با نوا‌ی غمگین ساز و آواز خود به این سوگ ملی ادای احترام کرد. پایان دومین شب از هفدهمین جشنواره موسیقی نواحی ایران، با اجرای گروهی از خراسان جنوبی همراه بود که به گفته آن‌ها در سوگ برادران از دست رفته خود، خواندند.

غفور محمدزاده (خواننده، نوازنده و پژوهشگر موسیقی) و رسول دوستی که در این بخش اجرا کردند، به همدردی با خانواده آسیب‌دیدگان و درگذشتگان حادثه بندر شهید رجایی پرداختند. اجرای آن‌ها با چهاربیتی خوانی همراه بود ولی به علت محزون بودن، گونه‌ای از غم‌نامه‌هایی را اجرا کردند که در خراسان رواج دارد و تلاش کردند حس غم را به شنونده منتقل کنند.

استقبال کره‌ای‌ها از کتاب جدید برندهٔ نوبل کشورشان

کتاب «نور و نِخ» اولین کتاب هسان کانگ برنده نوبل ادبیات ۲۰۲۴ که پس از کسب این جایزه منتشر می‌شود، در کره جنوبی زادگاه وی با اقبال مواجه شد. این کتاب که سخنرانی جایزه نوبل هان کانگ را هم در بر می‌گیرد و عنوان کتاب نیز برگرفته از همین سخنرانی است که ماه دسامبر و هنگام دریافت جایزه نوبل در استکهلم ایراد شد، در اولین روز فروش آنلاین خود ۱۰ هزار نسخه فروش کرد. کتابفروشان و منابع انتشاراتی به روزنامه کره‌ای جونگ‌آنگ گفتند که حدود ۱۰ هزار نسخه از این کتاب در ۲۴ ساعت فروخته شده که در مجموع برابر با ۹۰ درصد از بازار کتاب آنلاین کره است. «نور و نِخ» از روز چهارشنبه برای سفارش آنلاین در دسترس بود و روز پنجشنبه در کتابفروشی‌ها به صورت چاپی ارانه شد. این کتاب ۱۷۲ صفحه‌ای شامل ۱۲ قطعه است که با سخنرانی نوبل آغاز می‌شود. هان در این سخنرانی درباره رمان‌هایی از جمله «گیاهخوار» و «اعمال انسانی» و فرایند نوشتن خود صحبت کرده بود. کتاب «نور و نِخ» به جز نوبل و نوشته‌های مربوط به آن، شامل ۵ شعر نیز است که پیش از این در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ در مجله‌های ادبی کره منتشر شدند. در این کتاب همچنین یادداشت‌های جدیدی هم جای داده شده که یکی از آن‌ها با عنوان «باغ رو به شمال»، درباره تجربه هان در مراقبت از باغی است که نور مستقیم خورشید را دریافت نمی‌کرد و وی با استفاده از آینه برای بازتاب نور به فضا، سعی کرد این مشکل را حل کند.